

# ارتباط «حکمت» و «کانسپچوالیتی» در شکل‌گیری معماری معاصر ایرانی\*

محمود گلابچی<sup>۱</sup> - عبدالرضا قلیپور<sup>۲</sup>\*

۱. استاد گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.  
۲. پژوهشگر دکتری تخصصی معماری و تکنولوژی، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۱ تاریخ اصلاحات: ۹۷/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۱/۲۸ تاریخ انتشار: ۰۰/۰۳/۳۱

## چکیده

مسئله اساسی در معماری امروزی ایران، تصور و شبهه وجود تفاوت بنیادین در محتوای معماری سنتی و معماری بعد از سنت است. مقاله حاضر در راستای تبیین ارتباط بین مفاهیم «حکمت در معماری سنتی» و «کانسپچوالیتی در معماری معاصر» ایرانی، حوزه تأثیر و معانی واژه‌های حکمت و کانسپچوالیتی را تعریف و تعیین نموده، ویژگی‌های ساختاری این دو برهه زمانی و اجتماعی معماری را با تعاریف به عمل آمده، بیان می‌دارد. ارتباط طولی بین الزامات دنیای سنتی در قالب حکمت دینی و عقلی یا همان «خرد حکمی»، و دنیای مدرن در قالب فردگرایی عقلی و توسعه‌گرایی علمی و تخصصی، یا همان «خرد علمی» فرض مساله تحقیق بوده، و روشن می‌سازد که کانسپچوالیتی یک رویکرد ارزش‌خواهانه در جهان مدرنیته است. در این تحقیق سعی شده است، با ایجاد یک ساختار قیاسی و تحلیلی بین ماهیت معماری سنتی و مدرن، به سازوکار تبیین مفاهیم در شکل‌گیری یک اثر معماری، از منظر واژه‌های حکمت و کانسپچوالیتی پرداخته شود. معماری کانسپچوال در چارچوب تاریخی آن (معماری معاصر ایرانی)، «معماری التقاط از حکمت» بوده و اساس آن بصری و مبتنی بر اصالت تصویر است. فراتر از آن، از دست آوردهای مهم این مقاله برای ادامه در پژوهش‌های آتی، و مدل‌سازی برای ترسیم عاقبت معماری ایرانی، روش «نیوکانسپچوالیتی» یا «نو- مفهوم‌گرایی حکمی» از طرف نگارندگان می‌باشد. از این سو می‌توان به رویکرد طراحی-پژوهانه «نو- مفهوم‌گرایی» این مقاله با اتکاء به «پارامدل»‌ها و «روش‌های طراحی پارامتری» اشاره نمود که در نقد روش کانسپچوالیتی و ارتقاء آن، موضوع «ویژگی‌های ذاتی و «سرشت- مایه‌های ساختار زمینه- ساخت در «پارامدل»‌ها را جایگزین «تصویر» در «کانسپچوالیسم» نموده، و بر اساس این تفکر، رویکرد جامع‌تری برای تعریف هویت در ساختارهای سرزمینی، بنیان می‌نهد<sup>۱</sup>.

واژگان کلیدی: حکمت، کانسپچوالیتی، خرد حکمی، خرد علمی، هویت معماری معاصر ایرانی.

\* این مقاله برگرفته از مبانی نظری و ساختار محتوایی رساله دکتری تخصصی معماری نویسنده دوم با عنوان «مدل‌سازی فرآیند ارتقاء ساختارهای زمینه- ساخت، با روش طراحی- پژوهی معماری بر اساس مفاهیم پارامتری» با راهنمایی نویسنده اول در دانشگاه تهران و دانشکده معماری می‌باشد.

\*\* E\_mail: ar.gholipour@gmail.com

## ۱. مقدمه

دنباله معماری در کشور ایران را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. این دو بخش تحت عنوان‌های «معماری سنتی» و «معماری معاصر» (شبهه مدرنیستی) ایرانی هستند و از دو تمدن سنتی و مدرن برخاسته‌اند، و دو صورت متفاوت از یک پدیده را بیان می‌دارند (Bani-Ma-soud, 2012, p. 287).

از آنجایی که این دوگونه معماری دارای بستر زمانی و تاریخی معینی هستند، لذا این تفاوت را می‌توان یک تحول و دگردیسی در ماهیت معماری یک سرزمین تلقی کرد، نه هویت آن.

چون معماری را برخاسته از فرهنگ و تمدن می‌دانیم، بدین جهت معماری در ذات خود صفاتی همچون سنتی و مدرن نداشته، بلکه به اعتبار خاستگاه خود، نسبت‌ها، قدر و اندازه‌های مرتبط با اصول جهان‌بینی خود را دارد (Ghe-hi, 2009, p. 393). دوره تحول معماری ایرانی، که نقطه

عطفی در حیات معماری آن بوده است را در ورود نوگرایی و اثرات و آموزه‌های معماری مدرنیستی از غرب به ایران، در دوران اواخر حکومت قاجار و به‌طور عمده پهلوی اول و دوم، می‌توان دانست (Bani-Masoud, 2012, p. 73). بدین طریق عنوان‌ها و مفهومی‌هایی همچون نوگرایی، بوم‌گرایی، ملی‌گرایی ایجاد شده‌اند. این روند در اواخر دوران پهلوی اول و پهلوی دوم، پایه‌گذار معماری معاصر ایرانی بوده، به گونه‌ای که آثار بسیار فاخر و هستی معماری معاصر ایرانی را رقم زده است. بحران جنگ تحمیلی، وقفه‌ای در پیوستگی این جریان ایجاد نمود، تا معماری را به این دوره‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم برساند. با توجه به جریاناتی که اخیراً در زمینه معماری در مقیاس جهانی در حال وقوع است، به نظر می‌رسد، آن وضوح و خلوصی که معماری غرب و حتی سایر کشورهای صاحب تمدن دنیا در ارائه هویت ملی، فرهنگی و دانش فنی خود، با زبان معماری تکنولوژیک دارند، در معماری کشور ما، یا به عبارتی در نظام معماری آن دیده نمی‌شود. این موضوع را می‌توان ناشی از دو علت مهم دانست:

۱. شکاف بین معماری سنتی و شبهه مدرن ایرانی (معاصر) که به نوعی هیچ‌گونه دنباله تکامل‌یافته و منسجمی از آن‌ها باقی‌نمانده است.

۲. عدم بهره‌مندی پیکره معماری امروزی کشور از یک نظام مدون و آگاهانه، که بتواند مانند معماری معاصر و نوگرایی دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ ایرانی، و همچنین تکنولوژی و شیوه‌های ساخت جدید را در شرایط امروزی، در یک تجربه سازمان‌یافته تعالی بخشیده، و به معماری سرزمینی برسد.

همواره منتقدان روز معماری ایران به جای پردازش به کاستی‌های مدیریتی و توجه به تولیدات نظام آموزشی معماری، و نیز تطبیق دانش معماری روز و فن ساختمان با شرایط زمینه‌ای موجود، موضوع هویت و جدایی جریان

معماری امروزی از معماری سنتی را مطرح می‌کنند، و معضل فعلی معماری ایرانی را در عدم تطبیق با اصول و معیارهای معماری سنتی می‌دانند. در حالی که معماری، خود تابعی از فرهنگ و تمدن است و نمی‌تواند تابع اصول معماری قدیم در بستری دگرگون شده باشد. علی‌رغم عقب‌بودن جهان آن روزگار نسبت به امروز و کمبود دانش و شناخت معمار آن روزگار؛ یعنی معماری معاصر دهه‌های ۳۰ تا ۵۰، جریانی روشن از ابعاد ورود و تحقق معماری مدرن در ایران وجود داشته که علی‌رغم وارداتی و غیرمنطبق بودن با معماری سنتی ایرانی، دست‌مایه‌ای ارزنده برای معماران ما بوده‌است تا بتوانند در فضای ایجاد شده از خلاء هویت و اصالت معماری ایرانی به بازبینی، بازشناسی و بازآفرینی مفاهیم معماری گذشته در چارچوب معماری نوگرایی آن روزگار بپردازند و مفاهیم جدیدی همچون معماری «ملی‌گرا» و «بوم‌گرا» در دل آموزه‌های اجباری یا عام معماری مدرنیستی پرورش داده و معماری ارزشمندی به‌جا بگذارند.

ولی امروزه با انقطاع جریان معماری معاصر، در اثر بحران جنگ و تبعات بعد از آن و نیز شدت گرفتن رویه سُری فرهنگ و مظاهر معماری غرب، دوباره معماری در اثر خودباختگی برخی اندیشه‌های غالب یا کم‌توجهی و ساده‌انگاری، دچار قطبیتی آشکار و تجزیه شدن به مفاهیمی مانند معماری سنتی و معماری مدرن به گونه‌ای انفعالی در مقابل هم شده‌است که جریان معماری امروز را روزبه‌روز به سمت بی‌هویتی ناشی از آن می‌کشاند. بدین جهت معمار ایرانی و ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیرنده در این زمینه، دچار عدم شفافیت و نوعی سرگردانی در فهم نحوه برخورد صحیح با مسأله شده‌است.

## ۲. بیان مسئله

معماری در جهان امروزی دچار پدیده‌ای به نام مفهوم‌گرایی یا به عبارتی کانسپچوالیتی مزن شده، به‌طوری‌که دامن‌گیر تمامی محافل معماری، از مدرسه و دانشگاه، تا آتلیه‌های حرفه‌ای معماری شده است. در این میان به نظر می‌رسد واژه کانسپت و روش کانسپچوالیتی، دچار سرنوشتی مبهم هست، که به اصطلاح نشانه‌ای جز صورت ظاهری آن برای نسل‌های آتی نمانده است. معمار امروزی، وقتی دست به قلم طراحی می‌برد، با کش و قوس‌های ناشی از انتظارات ایجاد شده، در التزام توجه به گذشته و اصالت در معماری، دست به‌گریبان است. این موضوع او را در وادی سرگستگی و برزخ میان سنت و مدرن، رها کرده تا به سرانجام نافرجام معماری امروزی ما برسد.

از نگاه این مقاله علت اصلی بد اقبالی در معماری امروز ما، عدم توجه و باور به ماهیت جدیدی است، که زندگی در جهان امروزی به پیکره معماری بخشیده است. این ماهیت بیش‌تر در قالب تکنولوژی و مدرنیته ناشی از آن جلوه می‌کند، که عملاً در نوع جهان‌بینی و شیوه زندگی

خود مبانی و اصول آن را از ملل باستانی مشرق زمین یعنی مصر و سوریه و کلد و ایران و هندوستان دریافت نموده‌اند» (Foroughi, 2002, p. 11).

### ۶. روش تحقیق

در این تحقیق، با ایجاد یک مدل قیاسی و تحلیلی بین ماهیت معماری سنتی و مدرن، به سازوکار تبیین مفاهیم در شکل‌گیری یک اثر معماری، از منظر واژه‌های حکمت و کانسپچوالیتی پرداخته می‌شود.

در این روش، پارادیم‌های حکمت و کانسپچوالیتی دارای ارتباط‌های منطقی و معینی هستند که در باب طراحی-پژوهی و طراحی معماری، و نقد اوصاف کنونی معماری سرزمینی ما، برای درک بهتر «پارادوکس سنت و مدرنیته» در فرآیند شکل‌گیری، نقد و قضاوت آثار معماری، شرح و بسط این ارتباط‌ها، لازم و ضروری به نظر می‌رسند.

### ۷. تبیین مختصری بر «سنت» و «مدرنیته»

در کتاب «سنت و بدعت در آموزش معماری<sup>۲</sup>» تعاریفی از سنت و مدرنیته ارائه شده، که چکیده و سرفصل بخش‌های مربوط به توصیف و تأویل آن‌ها، به نحوی مقتضی، بیانگر معانی آن‌ها می‌باشد.

#### ۷-۱- سنت

به مثابه پدیده‌ای آیینی که پایدار است، عرف، ویژگی عام جوامع قبل از مدرن و غیره (Hojjat, 2014, pp. 29-32). پس می‌توان نتیجه گرفت که سنت و به تبع آن هر دستاورد سنتی مانند هنر و معماری و غیره خاستگاه دینی و مردمی به‌صورت پیوسته و یکپارچه و در طول هم دارند.

#### ۷-۲- مدرنیته

یعنی بریدن از هر آنچه خارج از محدوده ادراک و عقل انسان است (افسون‌زدایی یا تقدس‌زدایی) و مرجعیت خرد انسان، نفی تعیین<sup>۳</sup> و اصالت بدعت (Ibid, p. 42).

پس می‌توان نتیجه گرفت که مدرنیته و به تبع آن هر دستاورد مدرن علی‌الخصوص بعد از رنسانس، مانند هنر و معماری و غیره خاستگاه عقلی و فردی و به‌صورت ناپیوسته و کثرت‌گرا و در عرض هم دارند.

در مقوله هنر و معماری، از منظر این‌مقاله، سنت؛ در بطن خویش حکمت را، و مدرنیته و جریان‌ها بعد از آن؛ مفهوم‌گرایی و کانسپچوالیتی را، به‌صورت رایج در معماری ایجاد کرده است.

فرد و اجتماع، تأثیر غیرقابل انکاری دارد. ولی در اکثر موارد با رویای بهشت از دست‌رفته، و دل بستن به خاطرات معماری سنتی، دانسته یا ندانسته، واقعیت‌ها انکار شده، و جریان معماری روز دچار ابهام و سردرگمی می‌شود.

### ۳. پرسش تحقیق

چه رابطه‌ای میان ساختار محتوایی معماری سنتی و معماری بعد از سنت وجود دارد و آیا این رابطه قابل توجیه و تبیین برای هم‌سوسازی اجزای بدنه اصلی معماری سرزمینی است یا خیر؟

### ۴. هدف تحقیق

ایجاد یک رابطه منطقی، بین پارادوکس سنت و مدرنیته در معماری، برای تسهیل در برقراری ارتباط بین آموزه‌های معماری سنت و بعد از سنت، برای طراحان و طراحی-پژوهان در عرصه معماری است. ایجاد یک نگاه شفاف و مفهوم‌گرایانه، و نیز مبتنی بر نظام ارزشی در رابطه با بهره‌گیری از مقوله حکمت و کانسپچوالیتی در معماری آینده‌گرای این مرز و بوم، گشاینده گره تضاد و تقابل میراث ارزشمند گذشتگان در شکل‌گیری هستی و بنیاد آثار نوگرای ایرانی خواهد بود. هدف این مقاله تشریح ساختار مفهوم در گذشته و حال در معماری بوده، و می‌خواهد تأثیر آن‌را بر شکل‌گیری یک اثر معمارانه مورد مذاقه قرار دهد. ضرورت این تلاش، ایجاد زمینه جهت رسیدن به دو مهم زیر است:

الف. تفاهم نوعی از معماری فرهنگی و ملی بین معماران، علی‌الخصوص در امر آموزش و قضاوت، جهت ایجاد امتداد و تداوم در معماری سرزمینی.

ب. آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای تأمین خودآگاهی سازمان‌یافته در شکل‌دادن به هویت معماری امروز و آینده در این سرزمین.

### ۵. فرضیه تحقیق

به نظر می‌آید، یک ارتباط طولی بین «حکمت»؛ به‌معنای سنت‌گرایانه آن و «کانسپچوالیتی» به‌معنای جهانی و مدرن آن در معماری، وجود دارد به شکلی که در این فرضیه، الزاماً تناقض از پیش تعیین‌شده و عامدانه‌ای- از نگاه یک معمار شرقی و نه یک بینش مرتبط با جریان‌ها جهت‌دار معماری در غرب- وجود ندارد. «... تمدنی که امروز بدست‌یاری اروپائیان در جهان برتری یافته بی‌گمان دنباله آن است که یونانی‌های قدیم بنیاد نموده و آن‌ها

### جدول ۱: ویژگی‌ها و مفاهیم سنت و مدرنیته (بدعت) در معماری

سنت		مدرن	
به مثابه پدیده آیینی	به عنوان حکم، پایدار	دین و مردم به مثابه یک ماهیت یکپارچه در طول هم	به مثابه عرف و ویژگی‌های عام جوامع پیش از مدرن
اصالت احکام جمعی و آموزه‌شده، «حکمت»	حاکمیت خرد و عقل اجتماعی، اراده جمعی و حکمت	یکپارچگی انگاره‌های جمعی، حاکمیت هنر ملی و آیینی	حاکمیت خرد و عقل اجتماعی، اراده جمعی و حکمت

## معادل سنت در معماری

امر مقدس و غیرقابل تغییر در ماهیت، قابل احترام و ستایش، سمبلیک و الگوساز	مشابه ساختارهای طبیعی، لانه‌سازی وحی‌گونه در جانداران، روش‌های متداول و ثابت، محدود در تنوع	یکپارچگی در فرهنگ و نحوه معماری مردمی، شیوه‌های معین و محدود در طرح و ساخت، معماران مردمی	مصادق عینی بازار سنتی و تجمیع دین و زندگی در کنار هم، انصاف و راستی و درستی به‌عنوان اصل اساسی ساختار و معماری شهر	تصور و حاکمیت حریم و خانواده در جامعه	وجود بناهای عام‌المنفعه و عمومی با معماری و هنرهای ملی و آیینی	اعتقادات، دانش و فنون جمعی در هنر و فرهنگ، اجتماع سنتی و آیینی، میراث ارزشمند معماری تاریخی
--	---	---	--	---------------------------------------	--	---

## مدرنیته (بدعت)

به مثابه پدیده انسانی - فردی	حاکمیت عقل و درک انسانی، ناپایدار	مرجعیت خرد انسانی، نفی تعیین و بنیادگرایی	تقدس‌زدایی و انسان به‌عنوان مرکز جوامع، اصالت فرد، ناپیوسته و کثرت‌گرا در عرض هم	گسیختگی در اجماع و اصالت، انگاره‌های فردی، حاکمیت هنر فردی و مدرن	قوت یافتن خرد انسانی، و مفاهیم و تفاسیر فردی یا گروهی، مفهوم‌گرایی	اصالت ادراک انسانی و خلاقیت فردی، «کانسپچوالیتی»
------------------------------	-----------------------------------	---	--	---	--	--

## معادل مدرنیته در معماری

امر انسانی و قابل تغییر در ماهیت، قابل توجه و بهینه‌سازی، عمومی و بین‌المللی	برگرفته از هنر انسانی، اندیشه آزاد و فردی، تنوع در فرم و شکل، تنوع در تکنولوژی	آزادی اندیشه و ورود سلیقه در طراحی، اصالت یافتن سفارشات کارفرمایی، معماران آکادمیک	مصادق عینی تنوع و کثرت در ساختارهای شهری، معماری تجاری، مذهبی و غیره جدا از هم	تصور و حاکمیت انعطاف در حریم بر اساس نگرش فرد و بافت فرهنگی خانواده	وجود بناهای سفارشی و شخصی با معماری و هنرهای فردی و انتخابی	هنر و جامعه نوگرا، حاکمیت تکنولوژی، معماری نوگرا یا مدرن، معاصر (دهه‌های ۴۰ و ۵۰ قرن ۱۴ هجری شمسی)
--	--	--	--	---	---	--

## ۸. تبیین مختصری بر «حکمت» و «کانسپچوالیتی»

آنچه در برگیرنده دانش و آگاهی و آینده‌نگری در جوامع دینی گذشته و سنتی می‌باشد، بیش‌تر در همراهی و تحت عنوان واژه حکمت که می‌توان گفت اندیشه و دانش، و روش‌های به‌دست‌آمده از نظام سنت است، به‌کارگرفته می‌شود، و در مقابل آن می‌توان واژه‌ای بسیار متداول و الهام‌بخش، یعنی کانسپچوالیتی به معنی مفهوم‌گرایی در معماری بعد از جریان مدرنیستی را مطرح نمود.

با این اوصاف، در باب عنوان این مقاله، چارچوب مقاله را با یک مطالعه کیفی و قیاس استدلالی - تطبیقی بر مبنای قیاس معانی و حوزه اثرگذاری و ساختار محتوایی واژه‌های حکمت و کانسپچوالیتی مورد بررسی قرار داده، و از تعاریف ارائه شده در باب این واژه‌ها شروع شده است.

۸-۱- حکمت<sup>۴</sup>

تعاریف متعددی در زیر آورده شده ولیکن از نظر این مقاله حکمت به هر عمل محکم و منطبق بر دانایی و معرفت اطلاق می‌شود که منشاء فرا فردی و متعالی داشته، و به یکی از اشکال زیر باشد:

الف. اراده خداوندی که مستقیماً شامل خلقت هستی و موجودات شده است.

ب. اراده خداوند که به‌طور غیرمستقیم از طریق وحی به

انسان رسیده است.

ج. اراده بشر در طول اراده خداوندی، و تجربیات تاریخی که باعث ایجاد دانشی تجربی و مفید شده است.

به تعریف‌هایی دیگر به شرح زیر می‌توان اشاره نمود:

الف- حکمت در لغت به معنی نوعی محکم‌کاری، که در آن رخنه‌ای راه ندارد و در معلومات عقلی که ابدأ قابل بطلان و کذب نیست به کار می‌رود (Tabatabai, 1997, p. 553).

ب- دانایی، علم، دانش، دانشمندی و عرفان نیز به کار رفته است (Dekhoda, 1931).

ج- شناسایی حق و فراگرفتن علوم شرعی و علوم طریقت و حقیقت و برهان، و غایت هر چیز (Sajjadi, 1996, pp. 26-27).

د- تلقی سقراط از حکمت، بصیرت به آن حقیقتی است که برای انسان خیر است و منجر به سلامت و هماهنگی نفس می‌شود (Copleston, 1983, pp. 133-134).

ر- حکمت به معنای؛ آنچه فهمیدنی است و نیاز به تفکر، تعمق و ادراک دارد، معرفت فرزانی. حکمت معادل So-phia (حکمت مقدس) و (شهود عقلی<sup>۵</sup>) به‌کار گرفته شده است (Nasr, 2002, pp. 47, 87).

ز- در کتاب «حکمت هنر اسلامی» از زهرا رهنورد، در باب حکمت مطالبی آورده شده، که در ارتباط با محتوای این مقاله، می‌تواند تبیین‌کننده مفاهیم ظریفی از واژه حکمت

به تصویر و مطالعات بصری و تصویری همچون عکاسی و ترسیم کروکی‌ها و پرسپکتیوها، در آموزش معماری و بازترسیم نظام و الگوهای هندسی معماری کلاسیک و سنتی، باعث ایجاد الگوواره‌های تصویری و تجسم یافته در ذهن معماران جوان در بیان مفاهیم معماری ایرانی و غیرایرانی شد (Bani-Masoud, 2012, p. 286).

- با توجه به پارادایم ابداعی لیوتار<sup>۱۱</sup> و اصالت یافتن «تصویر» در مواجهات حضوری و عینی با آثار معماری و هنری، در باب طرح معانی و مفاهیم مستتر در کالبد و جان معماری بناها و نظام هندسی و فرمال آن‌ها، گفتن این‌که «معنای» این واژه چیست، بسیار دشوار و پیچیده است (Nozari, 2000, p. 205).

بدین صورت بود که با ظهور پست مدرنیته و پیچیدگی‌های ناشی از آن، همچنین رواج «تصویر» و «تمثیل» در برابر «گفتمان و نوشتار»، تفاسیر و تأویل‌های چندگانه و ابهام‌دار، در فرآیند شکل‌گیری ادراک معماری وارد شد. در انتها می‌توان گفت فضای حاکم در آموزش و پژوهش معماری، به‌طور غالب یک فضای غیرشفاف، غیرگفتاری و غیرنوشتاری بوده، و سیالیت معنی و مفهوم را رواج داده است. لذا محصول این فضا در ذهن طراح و خالق اثر معماری، همان ایجاد «چندگانگی در مفهوم و معنا»، و همچنین اصالت یافتن پارادایم «مفهوم یا کانسپت» در معماری است.

با توجه به مفاهیم مدرنیته و فردگرایی مستتر در ذات آن، و به تبع آن ظهور پست مدرنیته و اصالت یافتن تصویر و تمثیل به جای گفتار و نوشتار، چندگانگی و تنوع در مفاهیم به‌دست آمده از یک موضوع یا اثر معماری، آغاز شکل‌گیری فردگرایی در کانسپچوالیسم یا همان کثرت و تنوع در برداشت‌های شخصی معماران و طراحان در قرائت از مفاهیم مستتر در آثار معماری یا به تعبیر این مقاله «خدشه در حکمت» است.

## ۹. حوزه زمانی مورد مطالعه

در برگزیده معماری دوره‌های اسلامی در ایران، تحت عنوان معماری سنتی و معماری معاصر، بعد از اواخر حکومت قاجار و دوران پهلوی تا به امروز می‌باشد.

## ۱۰. شرح و بسط محتوای حکمت و کانسپچوآلیتی

از منظر این مقاله، می‌توان دو واژه و ساختار منطقی جدید برای این قیاس تعیین و تعریف نمود که ریشه در تعریف حکمت و کانسپچوآلیتی دارد.

اراده و عامل آفرینش در مصنوعات بشری، علی‌الخصوص محیط مصنوع یا همان معماری را، در قالب تعریف دو نوع خرد به نام‌های «خرد حکمی» و «خرد علمی» تعریف می‌نماییم.

یعنی دو نوع عقل که به اصطلاح، اولی را عقل عاقبت‌اندیش و معاد طلب یا وحدت‌گرا (اینْتِلِکْت<sup>۱۲</sup>) می‌نامند و دومی

باشد. «... بورکهارت حکمت را آن قاعده ای تلقی می‌کند که بر حسب آن هر چیز به جای خویش قرار می‌گیرد...» (Rahnavard, 1999, p. 23).

در قاموس معماری ایرانی، معماران، «... هرگز ساختمان را بیهوده و تنها برای این‌که نما در برابر چشم زیبا دیده شود آرایه‌بندی (تزئین) نمی‌کردند؛ از دید آن‌ها هر چیزی که منطق کاربردی نداشته، زیبا شمرده نمی‌شده، آنچه ارج گذارده می‌شده، زیندگی بوده، نه زیبایی نما. بدین‌گونه که هر چیزی باید سازوار و متناسب باشد و سرجای خود کار شده باشد تا زیبا شمرده شود» (Pirnia, 2004, pp. 258-259). بدین ترتیب حکمت در معماری سنتی یعنی؛ «بکارگیری اندازه و تناسب».

ی - می‌توان حکمت را تلویحاً به دانشی از بشر اطلاق کرد که در حافظه جمعی و ضمیر ناخودآگاه بشریت به‌عنوان ساختارهایی ملهم از طبیعت و تجارب زندگی بشر در طول تاریخ، به واسطه ناخودآگاه او (معادل؛ دانش سینه به سینه) پردازش یافته، درونی شده و انتقال یافته است، که بخشی از رساله دکتری نگارنده در این رابطه می‌باشد. یکی از مهم‌ترین و روشن‌ترین مصادیق این موضوع، الگوهای تاریخی ملهم از طبیعت و کیهان، یا به عبارت دیگر، «آرکی تایپی یا همان کهن الگویی<sup>۶</sup>» است، که آحاد بشر در طول تاریخ به آن‌ها توجه داشته و مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند (Golabchi & Zeinali, 2014).

## ۸-۲- کانسپچوآلیتی<sup>۷</sup> یا مفهوم‌گرایی

این ساختار از واژه کانسپت<sup>۸</sup> نشأت می‌گیرد که از نظر لغوی به معنای «مفهوم» است.

- کانسپچوالیسم، به معنی مفهوم‌گرایی و اصالت مفهوم است و کانسپچوالیست به معنای کسی است که مفهوم‌گرا بوده و به دنبال اصالت مفهوم است (Aryanpour, 2003).

- از لیوتار در کتاب «صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته» در ص ۲۰۴ موضوع «گفتمان و بستر تحول آن» آمده است که، تقابل بین «گفتمان و معنا» در برابر «تصویر و تمثیل» شکل می‌گیرد. با قوت گرفتن «نظام تصویری» در ادراک و آموزش معماری، که می‌توان گفت ابتدایی‌ترین مرحله آن به‌صورت «معماری کارت پستالی» یا با بازدیدهای شاهان قاجار از فرنگ در معماری ایرانی آغاز شد (Gho-badian, 2014)، و به‌تبع آن در سال ۱۳۱۹ شمسی، با ساخته شدن دانشکده معماری، در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، و به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان رشته معماری از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، نظام آموزشی توأم با اصلاحاتی جدید شروع به‌کار نمود<sup>۹</sup>. با شروع آموزش معماری به سبک مدرسه بوزار پاریس، و رواج ترسیمات هندسی و استفاده از مبانی و مفاهیم بصری در بازنمایی نظام معماری بناها، در قالب پرسپکتیو و ترسیمات گرافیکال<sup>۱۰</sup> اصالت تصویر و مصورسازی در آموزش و ادراک و بازنمایی مفاهیم معماری، تحقق پیدا کرد. توجه

را عقل جزء‌گرا، معاش‌طلب، محاسبه‌گر و کثرت‌گرا (راسیونال<sup>۱۳</sup>) می‌نامند (Akrami, 2004, pp. 33-48).

### ۱-۱۰- خرد حکمی

به آن بخش از خرد انسانی اطلاق می‌شود که در تلفیقی از دانش و تجربیات فردی و جمعی، و در قالب تأثیرات ناشی از عاقبت‌اندیشی و امکان‌سنجی محدوده‌ها و توانایی‌ها، به‌دست آمده، دارای ماهیت محدود و یکپارچه‌ای بوده، و در اثر هوش جمعی حاصل شده است. عقلی که روش‌های مطمئن برای رسیدن به هدف داشته، روش‌هایی هرچند محدود، ولیکن پخته و با آزمون قبلی پیشنهاد می‌کند (دانش عملی).

### ۱-۲- خرد علمی

به آن بخش از خرد انسانی اطلاق می‌شود که در

اثر آزاداندیشی و در عین توجه به تجربیات جمعی به‌صورتی «سؤال- محور» و «قابل تردید و ناپایدار» باشد. عقلی که روش‌های مطمئن برای رسیدن به هدف نداشته، بلکه ایده‌های جدید و روش‌هایی حتی بدون آزمون قبلی پیشنهاد می‌کند (دانش نظری).

### ۱-۳- نتیجه‌گیری

طبق تعریف این مقاله در قالب حکمت، در معماری سنتی، همواره خرد علمی در چارچوب قیودات و محدودیت‌های خرد حکمی عمل می‌کرده است ولی در معماری مدرن و امروزی خرد علمی خود را از قید و بند خرد حکمی رها ساخته و به استقلال وجودی و رسمیت رسیده است... گویی اندیشه بشر، به نوعی بلوغ نافرجامی را تجربه نموده که باعث جدایی کودک عقل از پدر حکمت شده است.

## جدول ۲: ویژگی‌ها و مفاهیم حکمت و کانسپچوالیتی (مفهوم‌گرایی) در معماری

حکمت						
محکم‌کاری بدون رخنه و غیرقابل بطلان. (این تعبیر بیش‌تر شبیه عمل خداوند است نه بشر) سازه عجیب با معماری در حد یکپارچگی و اتحاد، سازه و معماری یگانه	داناایی، علم، دانش و دانشمندی، عرفان. معماری هنرمندانه	شناخت حق و حقیقت، علوم طریقت، آگاهی به غایت هرچیز. (افعال خداوندی نه بشری) پرهیز از افراط و تفریط در عمل معماری، تناسب معماری هم با روح هم با جسم انسان	حقیقتی که منشاء خیر و سلامت و هماهنگی نفس انسان است. معماری زیبایی‌گرایانه و حاکمیت تناسب و هماهنگی در فرم و اجزای ساختار معماری	دانش مقدس و شهود تعقلی. (عقل آمیخته با علوم الهی) سادگی و اعتدال در عمل و آفرینش معماری، هماهنگی با ذات ماده	علم و دانشی که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. حریم و محدوده، اندازه و تعیین در ساختار معماری (اصول معماری ایرانی به روایت پیرنیا)	دانش مستتر در حافظه جمعی، ضمیر ناخودآگاه و هوش تاریخی مستتر در تجارب تاریخی معماری و آرکی‌تایپی، «عقل حکمی»

## کانسپچوالیتی (مفهوم‌گرایی)

گفتمان و معنا در برابر تصویر و تمثیل در آثار هنر و معماری تاریخی	معماری کارت پستالی و بازدید شاهان قاجار از فرنگ، قوت گرفتن نظام تصویری در آموزش معماری	تأسیس اولین دانشکده معماری در تهران و آموزش معماری با اساتید خارجی و ایرانی دانش آموخته در خارج	آموزش معماری به سبک بووزار فرانسه و رواج ترسیمات هندسی و مفاهیم بصری	بازنمایی معماری بناهای تاریخی ایرانی در قالب پرسپکتیو و ترسیمات گرافیکی و رواج عکاسی، تمرین اسلوب حکمت در معماری سنتی	آگاهی یافتن به اسلوب معماری ایرانی و تمرین آنها در قالب الگوواره‌های تصویری، توجه به معماری تاریخی و بازآفرینی مفاهیم آن در معماری معاصر، تمرین بازآفرینی تکه‌های حکمت در معماری معاصر	تفاسیر و تأویل‌های چندگانه و ابهام‌دار در ادراک معماری، خودآگاهی و شکل‌گیری فرآیند تحقیق علمی و بررسی و الگوبرداری از ساختارهای معمارانه، حاکمین دانش و تکنولوژی، عقل علمی
--	--	---	--	---	--	--

### ۱۱. «ساختار محتوایی» حکمت و مصادیق آن در معماری ایرانی

این عنوان از مقاله در قالب زیرعنوان‌های سه‌گانه می‌باشد:  
 ۱.) مفهوم هندسه و قدر در معماری سنتی ایرانی ۲.

ساختار خانواده و و اجتماع؛ تأثیر آن در ایجاد تداوم و امتداد تاریخی- فرهنگی و شکل‌گیری فضاهای زیستی در معماری سنتی ایرانی ۳. هنر قدسی و اعتقاد به معنویت در معماری) بود که بنا به ضرورت، به شکل زیر در همدیگر ادغام و خلاصه شدند.

## ۱-۱- مفهوم هندسه و قدر در معماری سنتی ایرانی

هندسه یکی از ارکان معماری سنتی و جزو هویت آن محسوب می‌شود. می‌توان گفت تمامی معماری ایرانی بر مبنای هندسه بنیان نهاده شده است و این امکان رشد و تعالی و ماندگاری را برای آن فراهم می‌کند.

از نگاه «عقل جزء بین» یا همان خرد علمی، چون هندسه بر مبنای علم ریاضیات استوار بوده، اندازه و مقدار کمی در محتوای آن مستتر است و می‌تواند برای عمل معماری و ساختمان مبنای قابل اعتمادی جهت رسیدن به ویژگی‌هایی مانند استحکام و سودمندی و تناسب با ابعاد انسانی و عملکردهای آن باشد و از همه مهم‌تر قابلیت انتقال به دیگران و قابلیت ترسیم و محاسبه و تکرار، بررسی و کست-افزودهای دقیق فنی را ایجاد نماید. هندسه ایرانی به اندازه‌ای حساب شده و دقیق و به اندازه و قدر است که در عین برآورده کردن «نیازهای عملکردی معماری»، تأمین‌کننده «استحکام و پایداری» به مفهوم سازه بنا، «آسایش اقلیمی و محیطی» و نیز ریزترین مباحث مربوط به «زیبایی‌شناختی» نیز می‌باشد (Memarian, 1987).

هیلن‌براند در این مورد چنین می‌گوید: «... و ارزش آن‌ها به این است که نشان می‌دهد محاسبات ریاضی بخش جدایی‌ناپذیری را در معماری اسلامی تشکیل می‌دهد» (Hillenbrand, 1998, p. 3).

«حدود سه هزار سال عوامل اصلی طراحی معماری ایرانی... گرایش به یک مقیاس و ... مهم‌ترین عوامل در طراحی معماری ایرانی بودند» (Pope, 2008, p. 9).  
 «اندازه و نمای اکثر ساختمان‌ها ساده است ...» (Pope, 2008, p. 10).

از نگاه «عقل کل بین» یا همان خرد حکمی، اولین و مهم‌ترین دلیل بر ارتباط میان قدر و هندسه -که اساس معماری قدسی در هنر اسلامی است- حدیثی از امام هشتم شیعیان است که هندسه را همان قدر می‌داند. امام علی بن موسی الرضا (ع) طبق حدیثی مذکور در اصول کافی، به شخصی که از وی می‌پرسند؛ «فتعلم ما لقدر؟» می‌دانی که قدر چیست؟ پاسخ می‌دهد: لا، حضرت می‌فرماید: هی الهندسه و ...» (Ghehi, 2009, p. 393).

نیز می‌توان به آیه شریفه «انا کل شیء خلقناه بقدر» (قمر، ۴۹) اشاره‌ای نمود (Ghehi, 2009, p. 395). تا با تکیه بر حکمت نهفته در آن به قدرت و جامعیت جهان‌بینی اسلامی در آفرینش صور مختلف هستی به یاد توانای آفریدگار متعال، دست یافت.

در نگاه سنتی به هندسه در معماری، هندسه در بطن موضوع و برای بهینه‌سازی «معماری»، «سازه» و عملکرد این دو بوده است (Bozorgmehri, 2006). ولی در معماری مدرن هندسه بیش‌تر برای رسیدن به فضایی سیال‌تر و آرایش فضا بر حسب گونه‌ها و تنوع مورد درخواست، و نیز ارتباط مفهومی معماری با گذشته بوده است. با این حساب گرچه هندسه جزء ارکان معماری در هر برهه‌ای از تاریخ معماری است، ولیکن این موضوع نشان می‌دهد که هندسه در گذشته، «هندسه‌ای هوشمند» و «بازار مهندسی» بوده، ولی در معماری مدرن، «بازاری برای هویت‌سازی تصنعی و شکلی» و «عطف به تاریخ و اصالت ازدست رفته» است. در گذشته، «تجربی» و برای «بهینه‌سازی معماری» بوده، در عصر مدرن «علمی و صرفاً برای تأمین عملکرد» است، و در جهت «مدیریت مؤلفه‌های فضای معماری» به‌کار برده می‌شود. معماری سنتی «محاسبات رقومی بر مبنای دانش تخصصی و محض» نداشته و بدین ترتیب محاسباتش «تجربی و با آزمون و خطا جهت بهینه‌یابی» بوده است. این نکته قابل تأمل است که در معماری گذشته به دلیل عدم وجود سیستم محاسبات عددی و علم مهندسی آئین‌نامه‌ای، بر مبنای سیستم‌های سازه‌ای و مصالح صنعتی استاندارد و نرم‌افزارها و فرمول‌های علمی برای محاسبه، از هندسه برای بهینه‌یابی مستمر یک عنصر سازه‌ای استفاده می‌شود، ولیکن در معماری مدرن هر هندسه‌ای با کمی مداخله و تغییر در ابعاد و اندازه‌اش، قابل بهینه‌یابی و استفاده در ساختار معماری می‌شود. این موضوع یکی از مظاهر تکنولوژی و مهندسی در معماری بعد از سنت است.

به‌طورمثال، با مراجعه به هندسه سازه‌های طاقی به‌راحتی می‌توان به رموز استحکام و پایداری در قوس‌ها، در رابطه با نسبت بین عرض و خیز طاق، متناسب با نوع قوس به‌کار بسته‌شده پی‌برد.

## جدول ۳: مصادیق هندسه و اندازه در ساختار کالبدی معماری سنتی و معاصر (شبهه مدرنیستی) ایرانی

معماری معاصر ایرانی (اواخر قاجار تا آخر پهلوی دوم)	معماری سنتی ایرانی	هندسه و اندازه در معماری
متأثر از مفاهیم شکلی و معنادار، آزادانه‌تر، تاریخ‌گرایی و نمادگرایی شکلی، تنوع و پیچیدگی در فضای معماری؛	متأثر از ویژگی‌های اجزا مانند: خشت و آجر و غیره و هندسه ایستایی تجربی در سازه‌ها طاقی و غیره؛	فرم
سازه‌های قابی شکل و پوسته‌ای فلزی و بتنی با هندسه‌ای آزادانه‌تر، در اختیار خلق فرم‌های آزاد و پیچیده؛	دارای مهندسی و بهینه‌یابی تجربی، تعریف هندسه پایداری؛	سازه
پلان آزاد لکوروبوزیه، در اختیار هندسه فضا و مدیریت عملکردهای جدید و تأمین سیرکولاسیون و روابط آزاد فضایی، با حریم و اشرافیت دگرگون شده؛	پلان مدولار و محدود، در قید محدودیت سازه‌ای، برای بهینه‌یابی ارتباط محیط و معماری، هندسه هوشمند متناسب با حریم‌ها و قواعد اشرافیت و همسایگی؛	عملکرد

معماری	هندسه و اندازه در معماری سنتی ایرانی	معماری معاصر ایرانی (اواخر قاجار تا آخر پهلوی دوم)
هنرهای معماری	هنر به معنی کمال‌گرایانه و ایجاد یک اثر معنوی و نفیس، هنرهای قدسی ایرانی و اسلامی؛	مفهوم‌گرایی و هویت‌سازی شکلی، هنرهای مدرن و ساده شده ... معماری با تزئینات بسیار کم
تکنولوژی ساخت	تکنولوژی محدود، هندسه مدولار و محدود به آجر و چوب و اتصالات آن، ساختار طاقی شکل، جرم ساختمانی زیاد، روش ساخت بنایی و استادکاری و	تکنولوژی اجرای بالا، روش‌های ساخت‌صنعتی، کادر فنی و اجرایی آموزش یافته
مصالح	هندسه مدولار، محدود و توان کششی و خمشی بسیار پایین، تنوع کم، مصالح بنایی؛	هندسه نامحدود در شکل و تنوع مصالح، امکانات پیش ساختگی

می‌شود.

در این راستا به تجربیاتی که معماری ایرانی، متأثر از معماری غرب و با اتکاء به زمینه‌های ارتباط ایران با غرب در دوران قاجار و در طول حکومت رضاخان پهلوی بدان رسید، و در دوران پهلوی دوم شکوفا شد، می‌توان اشاره کرد. با بازگشت معماران ایرانی تحصیل کرده فرنگ، به ایران و نیز با فارغ‌التحصیل شدن اولین نسل معماران نوگرای ایرانی از دانشکده هنرهای زیبای تهران، جریانی در نقد نوع نگاه معماری مدرنیستی، به قاموس معماری ملی و فرهنگی ایرانی، شکل گرفت.

این جریان که از بطن معماری و معماران نوگرای ایرانی و به شکل خودآگاه، به تبع شکل‌گیری جریانات معماری پست‌مدرنیستی علیه معماری سبک بین‌الملل، نشأت گرفت، در نگاهی به مفاهیم معماری ملی و بومی ایرانی، طلاهدار معماری ملی‌گرا و بوم‌گرا در ایران آن زمان شد، که آثار به جای مانده از آن دوران، امروزه معماری معاصر ایرانی نامیده می‌شود. اوج تحول و خودآگاهی معماران ایرانی برای انتقال از مفاهیم معماری مدرنیستی به معماری شبیه مدرنیستی ایرانی با استناد به مفاهیم معماری ایرانی، دهه‌های ۴۰ و ۵۰ معاصر است (Ba- ni-Masoud, 2012, p. 262).

در این تفسیر از خودآگاهی، می‌توان به ساختاری برای آگاهی‌یافتن به ماهیت حکمت معماری از دست‌رفته و کانسپچوالیتی یا همان مفهوم‌گرایی در فرآیند آفرینش معماری امروزی، دست یافت، که به صورت «تکه برداری» از مفاهیم یکپارچه معماری ایرانی، در زمان خود قائم به زمینه و زمانه خود بوده‌اند و امروزه در اکثر موارد و با سطحی‌نگری، به صورت عاریتی و تصنعی بازآفرینی می‌شوند. در مورد معماری موزه هنرهای معاصر تهران آورده شده؛ «... در میان تمهیداتی که به منظور ایجاد وحدت در ترکیب‌بندی احجام بیرونی موزه به کار رفته، مهم‌ترین آن‌ها استفاده از نورگیرهای هم شکل و هم جهت است...» (Naqsh, 2008, p. 58).

اقوام ایرانی به کانون خانواده اهمیت فراوانی قائل بوده‌اند و قسمت اعظم آداب و رسوم باقیمانده در رابطه با آیین مرتبط با اجتماع مقدسی به نام خانواده است. در این باب ساختار واحدهای فضایی و عملکردی یک خانه مسکونی، شامل کالبد ساختمانی و معمارانه، و همچنین ارتباطات تعریف شده بین آن‌ها، اعم از ارتباط بصری و فیزیکی بوده است. یک درب یا پنجره در یک دیوار از کالبد خانه، حد واسطی برای تعریف اندازه‌های حاکم بر ساختار معماری آن فضا و مکان بوده است. بدین ترتیب مفهومی به نام «اندرون و بیرون» در فضای مورد نظر ایجاد می‌شود که قطبیتی دوگانه برای تفاهم معمار و معماری با کاربران آن ایجاد می‌نمود. این دوگانگی تعریف‌کننده حریمی برای شکل‌گیری اندازه روابط و اشرافیت‌ها، و نوع همجواری و تعامل بین واحدهای فضایی داخل معماری مسکن بوده است. در کتاب «مصیبت وبا و بلای حکومت»، در بخش «سندی درباره آیین ملک داری و زن داری در قرن نوزده» اندر احوالات «درب اندرونی یک خانه ...» مطالبی گویا و روشن وجود دارد که نمایانگر شبکه حدود و اندازه‌های حاکم بر سلسله روابط و قواعد آن در معماری ایرانی است (Bani-Masoud, 2012, p. 288).

## ۱۲. ساختار محتوایی کانسپچوالیتی و مصادیق آن در معماری ایرانی

کانسپچوالیتی به معنی مفهوم‌گرایی و به دنبال «اصالت مفهوم» است. ماهیت مفهوم در این بحث همان اصول، مبانی و مؤلفه‌هایی است که به نحوی در یک دستگاه مشخص نظری و جهان‌بینی خاص، طی فرآیندی، جوهر و ماده اولیه شکل‌گیری و آفرینش صورت‌هایی از معنا می‌شود، به گونه‌ای که این «استحاله معنی در صورت»، باعث تولد مفاهیمی جدید به صورت شده، و به اعتبار همان اصول اولیه و فرآیند زمان‌دار شکل‌گیری آن، موجب ایجاد هویتی برای نسل‌های آتی و آفرینش‌های بعدی



## جدول ۴: قیاس موردی از معماری سنتی و معاصر ایرانی با مؤلفه‌های حکمت و کانسپچوالیتی

معماری معاصر (کانسپچوالیتی)	معماری سنتی (حکمت)	اثر معمارانه
		برج گنبد قابوس (۳۹۷ ه.ق)
	فرم یگانه، رو به بالا، نمادین و استوار، متناسب با بارگذاری سازه و به‌صورت همگرا به محور میانی عمودی	فرم
	بخش‌های تاخوردۀ منظم و مرکز‌گرا در پوسته بیرونی متناسب با رگ چینی‌های آجر و ملات و مصالح بنایی کلاف‌های افقی چوبی آفریننده فرم معماری	سازه
	پلان مدور پارامتریک با پارامترهای چین خورده منظم در خط محیطی و مقطع کاهنده در ارتفاع	ساختار هندسی
	تکنولوژی بنایی با آجر و ملات ساروج و غیره.	مصالح
		مقبره بوعلی سینا (۱۳۳۰ ه.ش)
	الگوبرداری از ساختار فرمال گنبد قابوس، مؤلفه تناسب و ارتفاع، فرم المان‌های بدنه و پوشش نهایی، با تفاوت‌های مفهومی؛ ساختار نیمه شفاف و خطی بدنه، رنگ بتن و غیره.	فرم
	ایجاد راستاهای باربر سازه‌ای در بدنه با استفاده از ستون‌های فرمال بتن مسلح،	سازه
	پلان مدور با هندسه‌ای نقطه‌ای در خطوط محیطی، الگوی شکلی در پلان	ساختار هندسی
	بتن مسلح و سنگ در بخش‌های الحاقی موزه‌ای (تغییر مصالح و تکنولوژی ساخت)	مصالح

## ۱۳. نتیجه‌گیری

مقاله در قالب واژه‌های کلیدی در جدول زیر ارائه می‌شود به‌گونه‌ای که در ادامه تحقیق قابل استناد و توسعه باشد.

در این بخش نتیجه‌ای خلاصه‌نگاری شده از محتوای

## جدول ۵: ویژگی‌ها و مفاهیم معماری حکمت و کانسپچوالیتی

معماری حکمت	
زمینه- ساخت و پایدار	اصالت‌دار و دارای تبارشناسی نسلی از تحولات پیوسته ژنتیک در معماری و فرهنگ
متناسب با آخرین توانمندی‌های دانش فنی بومی	خویش فرما خودی و برخاسته از خویش
اندازه‌دار و محدود برخاسته از اخلاق و ارزش‌ها	تجربه‌گرا، دانش سینه به سینه و بومی و مکان محور
مبتنی بر ناخودآگاه جمعی و هوش جمعی	

### معماری کانسپچوالیتی (مفهوم‌گرایی)

خودآگاهانه و فرآیند محور پژوهش محور	ضابطه‌گرا بوم‌گرا علم‌گرا فضا محور	نامحدود، اخلاق‌گرا، ارزش‌گرا	کارفرما محور و سفارشی، سلیقه‌گرا	تصنعی، تکنولوژی‌گرا	اصالت‌گرا؛ نه اصالت‌دار و هویت‌گرا؛ نه هویت‌دار	جدا مانده از زمینه و در جستجوی تجدید و تعریف پیوند با زمینه ناپایدار یا موقت
-------------------------------------	---	------------------------------	----------------------------------	---------------------	---	--

### ۱۳-۱- بیانیه جمع‌بندی محتوایی مقاله

مطالب زیر جملاتی هستند بر نتایج مقاله است که به صورت توضیحی و کاربردی ارائه می‌شوند.

- معماری حکمت و معماری کانسپچوالیتی در ادامه و طول هم قرار دارند، و از یک جنس ولی با دو ساختار متفاوت هستند.
- کانسپچوالیتی برزخی برای تنبیه (خودآگاهی) و گذر، جهت بازآفرینی حکمتی جدید و پایداری جامع‌تر و منطبق بر زمینه می‌باشد.
- حکمت، ناخود آگاه و تجربی است ولیکن کانسپچوالیتی، خودآگاه و علمی است.
- فرآیند علمی خلق فضا و طراحی - پژوهی ماحصل کانسپچوالیتی در معماری است.
- حکمت کل است و کانسپچوالیتی جزء. به عبارتی مفهوم‌گرایی یا کانسپچوالیسم، معادل کثرت‌گرایی در مفاهیم ذاتی یا حکمت‌های معماری سنتی است.
- معماری کانسپچوال «معماری التقاط از حکمت» بوده و اساس آن بصری و مبتنی بر اصالت تصویر بوده است.
- کانسپچوالیسم ابزاری برای تمرین رسیدن به حکمت از یاد رفته معماری، یا به عبارتی حکمت شکلی و صوری در

معماری مدرن و معاصر ایرانی است.

- فراتر از سواد بصری و اصالت تصویر، از دست آوردهای مهم این مقاله برای ادامه در پژوهش‌های آتی، و مدل‌سازی برای ترسیم عاقبت معماری ایرانی، روش «نیوکانسپچوالیتی»<sup>۱۴</sup> یا «نو- مفهوم‌گرایی حکمی» از طرف نگارندگان می‌باشد. - می‌توان به رویکرد طراحی-پژوهانه «نو- مفهوم‌گرایی» این مقاله، با اتکاء به «پارامدل»ها و «روش‌های طراحی پارامتری» اشاره نمود که در نقد روش کانسپچوالیتی و ارتقاء آن، «ویژگی»های ذاتی و «سرشت- مایه»های ساختار زمینه- ساخت در «پارامدل»ها را جایگزین «تصویر» در «کانسپچوالیسم» نموده، و بر اساس این تفکر، رویکرد جامع‌تری برای تعریف هویت در ساختارهای سرزمینی، بنیان می‌نهد.<sup>۱۵</sup>

نقد و بررسی، و طرح ارتقا شیوه الگوبرداری از تجربیات تاریخی و حکمی معماری در قالب مدل و نگاه پارامتری خصلت‌گرا و ویژگی‌گرا به جای روش کانسپچوالیتی صورت‌گرا و شکل‌گرا است. (اصالت «نقد و بررسی» کانسپچوالیسم در معماری، با رویکرد «پارامتری» و ورود به مباحث طراحی-پژوهانه در رساله دکتری نگارنده دوم بیان شده است).

## پی‌نوشت

۱. مدل‌های پارامتری ریاضی در مورد علم آمار و ارقام، برای بیان و ارائه مدل ریاضی وار و کامپیوتری اشیاء می‌باشد. در آمار، «مدل پارامتری» و یا «مجموعه پارامتری» و یا «مدل با ابعاد محدود» (تعریف شده)، یک مجموعه از «عملکردهای تعمیم یافته» است که با استفاده از تعداد محدودی از پارامترها قابل توضیح است. مدل‌های پارامتری با مدل‌های نیمه پارامتری، نیمه ناپارامتری، و مدل‌های ناپارامتری، که همه از یک مجموعه نامحدود از «پارامترها» برای توصیف تشکیل شده است، مقایسه می‌شود (ر.ک. به رساله دکتری تخصصی معماری نگارنده).

۲. با توجه با ماهیت کتاب «سنت و بدعت در آموزش معماری» که گزیده‌ای از نظرات صاحب‌نظران در مورد سنت و بدعت یا همان مدرنیته، با رویکرد معمارانه است لذا برای توصیف «سنت و مدرنیته» به آن بسنده می‌شود.

۳. واژه «تعین» در این مقاله، با عنوان اندازه و قدر به کار بسته شده، و جزو ویژگی‌های بنیادین نظام سنت است (ر.ک. به تعریف اندازه و قدر در این مقاله).

4. Philosophy, Wisdom

5. Intellectual Intuition

6. Archetypal Architecture. (Golabchi & Zeinali, 2014)

7. Conceptuality

8. Concept

۹. «... سال ۱۳۲۹ مصادف بود با تغییرات در سیستم آموزشی دانشکده- دانشکده هنرهای زیبای تهران- هوشنگ سیحون به‌عنوان فارغ‌التحصیل مدرسه بوزار پاریس، در راس این اصلاحات قرار داشت. از مهم‌ترین و اولین اقدامات وی، همسوئی آموزش قدماتی و تعلیم تمامی میانی آرشیتکتور کلاسیک به روال برنامه‌های بوزار پاریس بود.» (Bani-Masoud, 2012, p. 286).

۱۰. ر.ک. به پروژه‌های منتخب دانشجویان معماری دهه‌های ۳۰ الی ۵۰، چاپ شده در نشریه هنرهای زیبا.

11. Jean-Francois Lyotard

12. Intellect

13. Rational

14. New-conceptuality

۱۵. مبحث پارادایم‌های اول و دوم (Gholipour, 2019).

## REFERENCES

- Aryanpour, K.M. (2003). Aryanpur Progressive English-Persian Dictionary. *Jahan Rayaneh*, Tehran.
- Akrami, G.R. (2004). Defining Architecture as the First Step towards Studing about Architectural Education. *Journal of Fine Art, University of Tehran. Honar-Ha- Ye- Ziba*, (16), 33-48.
- Bani-Masoud, A. (2012). Iranian Contemporary Architecture. *Honar-e-Memari Publication*, Tehran.
- Bozorgmehri, Z. (2006). Geometry in Architecture. *Sobhan Noor, National Heritage Organization*, Tehran.
- Copleston, F. (1983). A History of Philosophy. (S.J. Mojtavavi, Trans.). *Elmi va Farhangi Press*, Tehran.
- Dehkhoda, A.A. (1931). Dehkhoda Dictionary (Persin). <https://icps.ut.ac.ir/fa/dictionary>
- Foroughi, M.A. (2002). The Course of Wisdom in Europe. *Zovvar Press*, Tehran.
- Ghehi, H.B. (2009). Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture. *Soore Mehr Publication*, Tehran.
- Ghobadian, V. (2014). "Memari dar Darolkhelafeh Naseri": Tradition and Modernism in Contemporary Architecture of Tehran. *Pashootan Press*, Tehran.
- Gholipour, A.R. (2019). Modeling the Process of Upgrading Context-Made Structures With Architectural Design-Research Method Based on Parametric Concepts. *Graduate studies Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran*, and Tehran.
- Golabchi, M., & Zeinali, A. (2014). Archetypal Architecture (Fundamental Sustainable Patterns). *Tehran University Press*, Tehran.
- Hillenbrand, R. (1998). Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning. (I. Etasam, Trans.). *Urban Planning and Processing Company Press*, Tehran.
- Hojjat, E. (2014). Tradition and Modernity in Architectural Education. *Tehran University Press*, Tehran.
- Memarian, G.H. (1987). Sazehaie Taghi dar Memari Eslami Iran (Vault Structures in the Islamic Architecture of Iran). *Gihad Danesgahi of the University of Science and Technology*, Tehran.
- Naqsh Consulting E. (2008). A Critique of contemporary Iranian Architecture. *Center for Architectural & Urban Studies and Research, Ministry of Housing and Urban Development*, Tehran.
- Nasr, S.H. (2002). Knowledg and the Sacred. (F.H. Mirzaei, Trans.). *Farzan Rooz Publication*, Tehran.
- Nozari, H.A. (2000). Postmodernity and Postmodernism: Definitions, Theories, and Application. *Naqsh e Jahan Publication*, Tehran.
- Pirnia, M.K. (2004). The Styles of Persian Architecture. Gholam Hossein Memarian. *Memar Press*, Tehran.
- Pope, A.U. (2008). Introducing Persian Architecture. (Z. Qasemali, Trans.). *Samira Publication*, Tehran.
- Rahnavard, Z. (1999). The Wisdom of Islamic Art. *Samt Organization Publication*, Tehran.
- Sajjadi, J. (1996). Culture of Philosophical and Theological Sciences. *Amirkabir Publications*, Tehran.
- Tabatabai, S.M.H. (1997). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, (2). *Daftar IntisharatIslami Jame'eh Modarresin*, Qum.

## نحوه ارجاع به این مقاله

گلابچی، محمود و قلیپور، عبدالرضا. (۱۴۰۰). ارتباط «حکمت» و «کانسپچوالیتی» در شکل‌گیری معماری معاصر ایرانی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۴(۳۴)، ۱۵۷-۱۶۸.

DOI: 10.22034/AAUD.2021.160978.1754

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_131919.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_131919.html)



## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



# The Relationship between "Wisdom" and "Conceptuality" and its Effect on the Formation of Contemporary Architecture of Iran \*

Mahmood Golabchi<sup>a</sup>- Abdolreza Gholipour<sup>b\*\*</sup>

<sup>a</sup> Professor of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>b</sup> Ph.D. Candidate of Architectural Technology, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Received 12 December 2018; Revised 20 January 2019; Accepted 17 February 2019; Available Online 21 June 2021

## ABSTRACT

The key problem in contemporary Iranian architecture is that of the fundamental differences with the content of traditional and post-traditional architecture. The present article sought to use the relationship between such concepts as "wisdom in traditional architecture" and "conceptuality in Iranian contemporary architecture" to define wisdom and conceptuality and determine their structural features in architecture. The research hypothesis stated the longitudinal relationship between the requirements of the traditional world in the form of religious and intellectual wisdom, known as "intellectual wisdom" and the modern world in the form of intellectual individualism and scientific and professional development, known as "scientific wisdom"; suggesting that conceptuality is a value-based approach in the world of modernity. This research sought to create a deductive and analytical structure between the traditional and modern nature of architecture to explain the extent to which the concepts constitute an architectural work from the perspective of wisdom and conceptuality. In its historical context (contemporary Iranian architecture), conceptual architecture has been "architecture of eclectic wisdom", underlying visual elements, and the originality of the image. Moreover, this article ushers in a new area for future researches, thus providing "neo-conceptuality" or "Intellectual new-conceptuality" modeling for Iranian architecture, as proposed by the author. Here, one would refer to the research-based design approach, i.e., "neo-conceptuality", by using para-models and parametric design methods which, in the critique of neo-conceptuality, it replaces "image" in "conceptualism" with intrinsic "features" and "theme-context" of the underlying context in the para-models; thus, founding a more inclusive approach for defining structures<sup>1</sup>.

**Keywords:** Wisdom, Conceptuality, Intellectual Wisdom, Scientific Intellect, Contemporary Iranian Architecture Identity.

\* This article is taken from the theoretical basics and content structure of the second author's doctoral dissertation on architecture entitled "Modeling the Process of Upgrading Context-made Structures with Architectural Design-research Method Based on Parametric Concept" supervised by the first author at the University of Tehran and the Faculty of Architecture.

\*\* E\_mail: ar.gholipour@gmail.com

## 1. INTRODUCTION

Architecture in Iran is classified into two categories of "Traditional Architecture" and "Contemporary (pseudo-modernist) Architecture", which have originated from both traditional and modern civilizations, thus, representing two different forms of a phenomenon (Bani-Masoud, 2012, p. 287). Because these two types of architecture have specifically historic time and context, this difference can be shown as a transformative architectural nature of the land, rather than of its identity.

Because we believe architecture to have ensued from culture and civilization, and that architecture is not characteristically traditional nor modern, it thus enjoys its origins, values, and dimensions pertaining to the principles constituting its worldview (Ghehi, 2009, p. 393). The era of Iranian architectural development, a turning point in the life of architecture, dates back to the advent of modernity, the effects and teachings of modernist architecture coming from the West to Iran, during the late Qajar era and mainly in the first and second Pahlavi era (Bani-Masoud, 2012, p. 73), paving the way for the emergence of such notions as modernity, ecology, and nationalism. This trend laid the ground for contemporary Iranian architecture in the late first and second Pahlavi eras, revealing the most renowned architectural works in contemporary Iranian architecture. The imposed war ceased these developments, only to see architecture as we have nowadays. Considering recent architectural developments on a global scale, the lucidity and purity of Western architecture and even those of other countries with rich national, cultural and technical knowledge, seem to be lacking in the architecture of our country, which is due to two important reasons:

1. The gap between traditional and pseudo-modern (contemporary) Iranian architecture, having no coherent development.
2. The absence of a systematic and codified system to regulate the architectural structure which, like the Iranian architecture back in the 30s and 50s, manages to utilize new technologies and draws upon new methods to develop and improve the traditional architecture.

The critics of Iranian Architecture always look for the issue of identity and separation of modern architecture from traditional architecture, thus failing to take into account managerial shortcomings and pay attention to the products of the architectural education system, while using the modern architecture knowledge in this connection is a key issue. The critics consider the problems facing Iranian architecture to be inconsistent with the principles and standards of traditional architecture. This is when architecture is, per se, a function of culture and civilization and cannot follow the principles of old architecture in a diverse context. As the world was unfamiliar with the realization of modern architecture back in the 30s and 50s and lacked the relevant knowledge to utilize the building

principles, Iran enjoyed traditional architectural knowledge which was deemed to be a valuable tool for the architects so that they would be able to visualize, recognize and recreate the old architectural concepts within a modern architectural context; thus introducing such new concepts as "nationalist" and "ecological" to the architecture field.

However, as the contemporary architecture developments ceased due to wars and their aftermath, the Iranian architecture suffered some sort of polarity as a result of predominant western-style thinking or indifferences; thus, breaking into traditional and modern architecture passively standing against each other. This led the modern architecture towards a lack of identity, with Iranian architects and their managerial as well as decision-making structure suffering from a lack of transparency and confusion when dealing with the problem.

## 2. PROBLEM STATEMENT

Architecture in today's world is undergoing a phenomenon known as conceptuality, extending to all architectural assemblies, from schools and universities to the professional architectural circles. In the meantime, the term concept and method conceptuality seem to have a vague destiny, leaving behind nothing except for insignificant outcomes for future generations. When involved in the designing process, the modern architect encounters several problems arising from expected outcomes and from the obligation to pay attention to the past as well as originality in architecture. This leads him to the abyss of confusion from choosing between traditional styles and modern styles.

As the article suggested, the reason for today's architecture failures is inattention to the new nature and approaches that life in today's world has given to architecture. This nature tends to embody in the form of technology and resulting modernity, leaving an undeniable impact on the worldview of the individual and the community as a whole. However, in most cases, the realities are abandoned as dreams of paradise lost and attachment to traditional architecture memories cause confusion and anonymity.

## 3. RESEARCH QUESTIONS

What is the relationship between the content structure of traditional architecture and post-traditional architecture?

Can this relationship be explained to align the components from the main architecture structure of the country?

## 4. RESEARCH OBJECTIVE

The objective here is to create a logical relation in the duality of tradition and modernity in architecture to facilitate the link between traditional and post-traditional architecture teachings for designers and design researchers in the field of architecture. In the

meantime, proposing a transparent and conceptual view, based on the value system to use wisdom and conceptualism for the futuristic architecture will usher in a new way for removing conflicts over the valuable heritage of the past, which can promise a new modern-era Iranian architecture. This article aimed to describe the structure of the concept in old and modern architecture, examining its effect on the formation of architectural work. This was done to meet the following two objectives:

- a. Arriving at a common understanding of a kind of cultural and national architecture, more specifically as regards education and evaluation, to expand continued development and transformation in national architecture.
- b. Developing planning to ensure organized self-awareness to constitute today and the future architectural identity for this country.

## 5. RESEARCH HYPOTHESIS

There appears to be a longitudinal link between "wisdom", in its traditionalist sense and "conceptuality" in its universal and modern sense in architecture, with a predetermined and deliberate contradiction from the point of view of an Eastern architect as consistent with the Western-style architecture is lacking in this hypothesis (Foroughi, 2002, p. 11).

## 6. RESEARCH METHOD

This research developed a deductive and analytical model of the nature of traditional and modern architecture to explain the concepts affecting the formation of an architectural work integrating such terms as wisdom and conceptuality. Here, wisdom and conceptuality paradigms are

logically and connected, seemingly playing key roles in design-research and architectural design, as well as a critique of the current characteristics of our national architecture; this helps better understand the "paradox of tradition and modernity" which affects the process of formation, critique and evaluation of architecture.

## 7. A BRIEF EXPLANATION OF "TRADITION" AND "MODERNITY"

The book "Traditions and Modernity in Architectural Education"<sup>2</sup> provides definitions on traditions and modernity, with its abstract and the rubrics of the sections describing their meanings.

### 7.1. Tradition

It is a firm custom-based phenomenon that transfers customs or beliefs from generation to generation, or the fact of being passed on in this way (Hojjat, 2014, pp. 29-32).

Therefore, it can be concluded that tradition and consequently every traditional achievement such as art and architecture, etc. are originated from religion and the public and has coherently stable throughout history.

### 7.2. Modernity

It is severance from everything that is outside the realm of human intuition and intellect (disenchantment or desanctification); it refers to the human intellect as being the reference of everything<sup>3</sup>. Modernity refers to a condition of social existence that is radically different from all past forms of human experience (Ibid, p. 42). Therefore, it is concluded that modernity followed by its modern achievements, especially after the Renaissance, i.e., art and architecture, share an intellectual and individual origin and are discontinuously interrelated.

**Table 1: Characteristics of Tradition and Modernity in Architecture**

Tradition						
As a custom, belief	As a stable and firm order	As a custom, general characteristics of pre-modern societies	Religion and people integrating each other	Integrity, collective subjectivity, Prevailing national and belief art	Prevailing social intellect, collective will, and wisdom	The originality of collective orders taught, Wisdom
Tradition in Architecture						
As a sacred ordinance, unchangeable nature, venerable and admirable, pattern builder	Similar to natural structures, making revelation-like nests in creatures, conventional and fixed methods being confined	Integrity in culture and popular architecture, definite methods of construction, popular architects	Objective example of traditional market and integrating life and religion alongside each other, fairness, frankness and candor as fundamental principles of urban structure	Perception and governance of family privacy in the society	Presence of buildings of public utility or national and religious arts	Collective knowledge, technics, and beliefs in culture, community, valuable heritage of historic architecture

Modernity						
As an individual-human phenomenon	Prevailing human intellect and unstable human perception	Intellect as a human authority, negation of fundamentalism	De-sanctification of humans as a focus of communities, originality of the individual, being discontinuously positioned along with each other	Ruptured consensus and originality of individual imagination, governance of individual and modern art	Strengthening of human intellect as well as individual or group interpretation and concepts, conceptuality	The originality of human perceptions and individual creativity, conceptuality
Modernity in Architecture						
A human phenomenon and changeable, significant and optimizing, public and international	Derived from human art, free and individual thinking, diverse forms and shapes, diversity in technology	Freedom of thought and introduction of tastes into the design, employer orders, academic architects	Objective example of diversity and plurality in urban structures, commercial, religious architecture	Perception and governance of flexibility in privacy over individual's attitude and familial cultural aspects	Presence of customized buildings or architecture using individual and selective designs	Art and a new era society, governance of technology, contemporary architecture (the 40s, 50s)

## 8. A BRIEF EXPLANATION OF "WISDOM" AND "CONCEPTUALITY"

Wisdom involves knowledge and awareness and foresightedness concerning past and traditional religious societies and is the ability to think and act using knowledge, experience, understanding, common sense, and insight. It is thinking, knowledge, and methods achieved from the traditional system, which opposes a conventional term of conceptuality in architecture. Conceptuality is a sequel of modernity. Having said this, the article uses a qualitative study as well as a reasoning-comparative analogy based on the analogy of meanings and content structure to investigate the terms wisdom and conceptuality.

### 8.1. Wisdom

In the following, we read definitions provided for wisdom, but as this article suggested, wisdom refers to any firm action based on knowledge with a transcendental and meta-individual origin:

- A divine will, directly involving the creation of the universe and creatures.
- A divine will indirectly be sent down to man via revelation.
- A human will, along with the divine will, as well as the historical experiences creating empirical and useful knowledge.

Other definitions as follows:

- Wisdom is a kind of firm action without any flaws and defects which is used in rational information never to be refuted or falsified (Tabatabai, 1997, p. 553).
- It is also meant as knowledge, understanding, science, and mysticism (Dekhoda, 1931).
- Wisdom means the recognition of a right and learning Sharia sciences as well as the sciences of the Truth and Reasoning; it is the utmost of everything (Sajjadi, 1996, pp. 26-27).
- Socrates considers wisdom to be an insight into the

truth that is good for humankind and that which leads to the well-being and harmony of the soul (Copleston, 1983, pp. 133-134).

- Wisdom refers to what is perceived and requires thinking, reflection and intuition; it is knowledge. Wisdom is on par with Sophia (sacred wisdom) and rational intuition (Nasr, 2002, pp. 47, 87).

- The book "Wisdom of Islamic Art" by Zahra Rahnavard involves data that can explain the subtle meanings of the word wisdom when it goes on to define it "... Burckhart regards wisdom as the rule through which everything is placed in its place..." (Rahnavard, 1999, p. 23).

The Iranian Architecture Dictionary states: "Architects never decorated the building in vain only to make the view look beautiful; for them, a thing with no functional logic would be considered not beautiful; what was valued was elegance and becomingness, not the beauty of the view. Thus, they emphasized that everything had to be adaptable and orderly to be regarded as beautiful" (Pirnia, 2004, pp. 258-259). Thus, wisdom in traditional architecture meant; "Practicing proportionality and balance".

- Wisdom implicitly refers to the human knowledge processed in, internalized, and transferred to the collective memory and unconscious self of humanity as structures inspired by the nature and the experiences of human life throughout history, by means of his unconscious, in a way this was part of the author's doctoral dissertation in this case. One of the most significant examples of this issue is the historical patterns inspired by nature and the universe, or in other words, the "archetypes"<sup>4</sup>, man has paid attention to and utilized, throughout history (Golabchi & Zeinali, 2014).

### 8.2. Conceptuality

Conceptuality derives from the word concept.

- Conceptuality refers to authentic concepts, and a



conceptualist is the one who understands the concepts and seeks the authenticity of concepts (Aryanpour, 2003).

- In his book, "On Modernity and Postmodernity", Section "Discourse and Context for Development" on page 204, Lyotard is quoted as saying: the contradiction between "discourse and significance" is formed as opposed to "image and allegory." As the "visual system" prevailed the architecture education, the earliest stage of architecture began as "postcard architecture" (Ghobadian, 2014). Subsequently in 1920, the Faculty of Architecture was established on the Fine Arts Campus of the University of Tehran, and architecture graduates from European countries such as France helped introduce new reforms within the architecture education system<sup>5</sup>. As architectural education began following the National School Supérieure Des Beaux-Arts, and courses on geometric designs as well as visual concepts were introduced to the architectural system<sup>6</sup>, image originality and illustration were materialized in teaching and representation of architectural concepts. Consideration of images and visual studies, as well as photography, sketches and perspectives in architecture education and redevelopment of classical and traditional architectural geometric patterns, gave rise to visual patterns in the minds of young architects to express concepts of Iranian and non-Iranian architecture (Bani-Masoud, 2012, p. 286).

Considering the innovative paradigm developed by Lyotard and the transformation of the "image" as being original as regards architectural and artistic works, it is a bit difficult to understand the significance of the concepts concealed in the body and soul of architecture and their geometric system (Nozari, 2000, p. 205).

Thus, as postmodernism emerged and its complexities ensued, such concepts as "image" and "allegory" against "discourse and writing" were introduced to the process of shaping the way architecture was defined.

In the end we can say; the architecture education environment was mostly overshadowed by a non-transparent, non-verbal and non-written atmosphere, with meaning and concept fluidity expanding. Therefore, this atmosphere engendered "multiplicity of meanings" as well as the originality of "concept" in architecture in the mind of the architectural work creator.

Considering the concepts of modernity and individualism as concealed in it, followed by the emergence of postmodernism and the originality of image and allegory instead of speech and writing, the multiplicity and diversity of concepts as originated from an architectural subject or work marked the beginning of individualism in conceptualism; as it

refers to the multiplicity and diversity of the individual understanding of architects and designers when reading the concepts inherent in architectural works.

## 9. TIME-DOMAIN STUDIED

It dates back to the architecture of Islamic eras in Iran, under the name of Traditional and Contemporary Architecture, and the end of the Qajar dynasty and the Pahlavi era until now.

## 10. ELABORATION OF THE CONTENT OF WISDOM AND CONCEPTUALITY

As this article put it, two new and logical terms and structures can be defined for this analogy, depending on the way wisdom and conceptuality are defined.

Two types of wisdom known as "intellectual wisdom" and "scientific wisdom" are used to elaborate on the will and creator of human crafts, especially the constructed environment or what constitutes architecture.

These are two types of intellect, with one being called foresightedness intellect, Hereafter-and utility-seeking intellect, and the second as the specific, subsistence, calculating, and pluralist-seeking intellect (Akrami, 2004, pp. 33-48).

### 10.1. Intellectual Wisdom

It refers to a part of human wisdom resulting from a combination of individual and group knowledge and experiences, in the form of the effects from foresightedness and measurement of capacities, as it has a finite and integrated nature, arising from collective intelligence; it is an intellect that offers reliable ways for meeting a goal and involves methods, albeit finite, but mature drawing upon the previous test (practical knowledge).

### 10.2. Scientific Wisdom

It refers to the part of human wisdom derived from "free-thinking" by considering collective experiences in the form of doubtful and unstable questions. It is an intellect not offering reliable ways to achieve a goal but suggests new ideas without previously been tested (theoretical knowledge).

### 10.3. Conclusion

As defined in this article, in traditional architecture, scientific wisdom is always represented within the limits of intellectual wisdom, while in modern and contemporary architecture, the scientific wisdom has freed itself from the shackles of intellectual wisdom, reaching existential independence, as if human thinking has undergone an unsuccessful maturity, separating the child of intellect from the father of wisdom.

**Table 2: Characteristics and Concepts of Wisdom and Conceptuality in Architecture**

Wisdom						
Firm action without defects, irrefutable (This interpretation is more like divine acts than man's); a strange structure with architecture for the sake of unity, unique architecture	Knowledge, science, reason, mysticism artistic architecture.	Knowing the truth, knowledge of the Way, awareness of the utmost of everything. (God's acts, not man's); refraining from excesses when practicing architecture, architecture being fit with both the soul and the human body	The truth is the source of goodness and well-being and harmony for the human soul. Aesthetic architecture and governance of fit and harmony in the form of architectural structure	Sacred knowledge and intellectual intuition (intellect mixed with divine sciences); simplicity and moderation in the creation of architecture, harmony with the essence of the matter	Knowledge of placing everything in its place. Privacy, size, and determination of architectural structure (Iranian architecture principles as quoted by Pirnia)	Knowledge is inherent in collective memory, unconscious self, and historical intelligence laid under the historical experiences of architecture and archetype, "intellectual wisdom"
Conceptuality						
Discourse and meaning against image and allegory in works of art and historical architecture	Postcard architecture and Qajar kings' visit of the West; strengthening of the visual system in architecture education	Establishment of the first school of architecture in Tehran and implementing architecture education courses with the attendance of foreign and Iranian professors graduated abroad	Educating architecture imitating the Beaux-Arts de Paris and the prevalence of geometric and visual concepts	The architecture of Iranian historical buildings represented in perspective and graphic images and the emergence of photography, practicing the wisdom style in traditional architecture	Awareness of the Iranian architecture styles and practicing them in the form of illustrative patterns; attention to historical architecture and recreating its concepts in contemporary architecture, practicing to recreate wisdom in contemporary architecture	Multiple and vague interpretations when perceiving architecture, self-awareness and the formation of the scientific research process and investigating the way architectural structures are modeled, the governance of knowledge and technology; scientific intellect

## 11. "CONTENT STRUCTURE" OF WISDOM AND ITS EXAMPLES IN IRANIAN ARCHITECTURE

This article got its title from the three following subheadings:

1. Concepts of geometry and scale in traditional Iranian architecture
2. Family and community structure; its impacts on creating continuity and historical-cultural aspects and the formation of living spaces in traditional Iranian architecture
3. Sacred art and belief in spirituality in architecture which, if necessary, are integrated and summarized as follows.

### 11.1. Concepts of Geometry and Scale in Traditional Iranian Architecture

Geometry is seen as one of the main pillars of traditional architecture and part of its identity. Iranian architecture is said to draw upon geometry as it lays the context for

excellence and permanence for it.

"Short-sighted intellect" or scientific wisdom states that geometry is based on mathematics, with size and a scalable amount being inherent in its content, thus serving as a reliable foundation for architectural and building practice to achieve such features as strength and usefulness as well as proportionality with human functions; most importantly, it can be transferred to others, recreated, calculated, repeated and investigated; thus, proposing technically accurate additions. Iranian geometry is so accurate and calculating that not only provides a "sense of environmental comfort" and "aesthetics", but also meets the "functional needs of architecture", giving "strength and stability" to the concept of the building (Memarian, 1987).

Hillenbrand argues that the Iranian architecture value shows how mathematical calculations constitute an integral part of Islamic architecture" (Hillenbrand, 1998, p. 3).

"For about three thousand years, the main aspects of the Iranian architecture designs pertained to a scale (Pope, 2008, p. 9); "The size and view of most buildings are

simple" (Pope, 2008, p. 10).

As the "holistic intellect" or intellectual wisdom suggests, the first and most important reason for the link between scale and geometry - forming the sacred architecture in Islamic art - is taken from a narration by the eighth Shiite Imam who considers geometry as scale. In reply to a person who asked; what is scale? Imam Ali Musa al-Reza (AS) answers: It is what is called geometry "(Ghehi, 2009, p. 393).

Also, a Quranic verse reads: "We created the entire universe in its scale" (Qamar, 49) (Ghehi, 2009, p. 395) reaffirms this. By means of wisdom inherent in it, one would achieve the power and comprehensiveness of the Islamic worldview in the creation of different forms of existence at the hand of the Almighty.

From a traditional architecture perspective, geometry is inherent in the heart of the subject and serves as optimizing "architecture", "structure" and the way these two functions are defined (Bozorgmehri, 2006). However, in modern architecture, geometry has been used to achieve a more fluid and diverse space as requested, seeking to create a conceptual architecture link with the past. Thus, although geometry has been regarded as one of the pillars of architecture at any point in the history of architecture, it is seen that geometry was, in the past, "intelligent geometry" and "engineering tool"; however, in modern architecture,

it is employed as a "tool for crafted and formative identification" governed by the lost history and originality. In the past, geometry was "experimental uses" and "optimizing architecture", while in modern times, it is "purely scientific for meeting functional goals"; it is therefore used to "manage the components of the architectural space". Traditional architecture lacks "pure and specialized knowledge-based digital calculations" and thus its calculations are "experimental together with optimization-based trial and error". It should be pointed however that in the past architecture, geometry was used for constant optimization of a structural element as numerical calculation system and engineering science using on standard structural systems and industrial materials were lacking, and there were no software and scientific formulas available for calculation. This is while, modern geometry can be optimized and used in the architectural structure as its dimensions and size are changed. This is one of the manifestations of technology and engineering in post-traditional architecture.

For example, looking at the geometry of arched structures, one would easily understand the secrets behind the strength and stability in arches, the ratio between the width and the length of the arch, as well as the type of arch used.

**Table 3: Examples of Geometry and Size in the Physical Structure of Traditional and Contemporary (Pseudo-modernist) Iranian Architecture**

<b>Geometry and Dimensions in Architecture</b>	<b>Traditional Iranian Architecture</b>	<b>Contemporary Iranian Architecture (End of the Qajar Era Up Until the Second Pahlavi Era)</b>
Form	Affected by component characteristics, e.g., bricks and clay; experimental static geometry in arched structures	Affected by formative and significant concepts, formative symbolism, diversity, and complexity in architecture space
Structure	Experimental optimization and engineering, defining stability geometry	Frame-like structures and metal and concrete crust with a free geometry; creating free and complex forms
Performance	Modular and finite plan, confined by structure limits, for optimizing environmental relationship and architecture, smart geometry proportionate to the privacies and rules of predominance and neighborhood	Le Corbusier free plan, using space geometry and management of new functions and providing circulation as well as free relations with transformed privacy
Architectural Arts	Perfect art and creation of a spiritual and prerequisite work; old and Islamic Iranian arts	Formative identification and conceptuality, simple and modern arts as well as architecture with low decorations
Technology of Making	Limited technology, modular geometry limited to brick and wood and its joints, arched structure, high building mass, building construction method, and craftsmanship	Technology for better implementation, industrial methods, technically trained personnel
Material	Circular geometry, limited to flexural and tensile power, less diversity a d building material	Indefinite geometry in terms of from and diverse materials, pre-fabrication materials

Iranian families were very much interested in the family entity and most of the remaining customs pertain to the rituals of that holy entity.

In this connection, the spatial and functional unit structures of a residential place included the building and architectural configuration, as well as their

interrelatedness, i.e., visual and physical relationship. A door or window in a wall of the house structure was considered to be a measure for defining the dimensions governing the architectural structure of that space. Thus, concepts of "interior and exterior" were introduced, creating a dual polarity for the architect and users to mutually understand each other. This duality defined privacy for forming the dimensions and relations, creating the type of proximity and interaction between spatial units in building architecture. The book "The plague of cholera and the calamity of the government", retells issues that suggest a network of limits and dimensions governing Iranian architectural rules (Bani-Masoud, 2012, p. 288).

## 12. CONCEPTUALITY CONTENT STRUCTURE AND ITS EXAMPLES IN IRANIAN ARCHITECTURE

Conceptuality seeks "originality of concept". The nature of the concept here in this discussion is the principles that, in a specific theoretical system and worldview within a process, underlie the essence of forms of meaning, with the "transformative meanings of forms" resulting in new concepts of the form, thus creating an identity for future generations, by means of the same basic principles and the time-consuming process of its formation.


In this connection, one can refer to the experiences the Iranian architecture gained, as affected by the Western


architecture during the Qajar era and the rule of Reza Khan Pahlavi while being flourished during the second Pahlavi era. As the Western graduated architects came back to Iran and the first generation of modern Iranian architects graduated from the Faculty of Fine Arts in Tehran, critiques of the modernist architecture, taking into account the Iranian national and cultural aspects, took form.

This development, originating from the heart of modern Iranian architecture and architects, thus becoming a post-modernist architecture against the international style architecture, played the role of a vanguard of nationalist and ecological Iranian architecture, as remaining artifacts from that period are now examples of contemporary Iranian architecture. The development of Iranian architecture from modernist architecture to pseudo-modernist architecture is characterized by the contemporary architecture of the 40s and 50s (Bani-Masoud, 2012, p. 262).

Considering this development, one can refer to a context for being informed of the nature of lost architecture and conceptuality within the process of creating modern architecture, recreated in most cases through artificial means. Regarding the architecture of the Museum of Contemporary Art in Tehran, it is said: "Symmetrical and uniform roof lights are considered to be the most important measures used to create unity in large external volume configurations" (Naqsh, 2008, p. 58).

**Table 4: A Case Study of Traditional and Contemporary Iranian Architecture Using the Terms Wisdom and Conceptuality**

Architectural Work	Traditional Architecture (Wisdom)	Contemporary Architecture (Conceptuality)
Gonbad Ghabous Tower		
Form	United form, upwards, symbolic and firm, proportionate to structure loading, converging to the middle vertical axis	
Structure	Regularly folded and central sections in the exterior crust proportionate to the arrangement of building material and cement; with wooden horizontal frames, creating an architectural form	
Geometrical shape	Circular parametric plan with regularly folded parameters in an environmental line and section decreasing the height	
Materials	Building technology with bricks and cement, etc.	

Architectural Work	Traditional Architecture (Wisdom)	Contemporary Architecture (Conceptuality)
Bu Ali Sina Tomb		
Form		Modeling the formal structure of Gonbad Ghabous, component of proportionality and height, body elements form and final covering with conceptual differences; semi-clear and linear structure, concrete color, etc.
Structure		Creation of load-bearing routes on the body using formal columns of reinforced concrete
Geometrical shape		Circular plan of pointed geometry on environmental lines formative pattern of the plan
Materials		Reinforced concrete and stones in sections attach (changes of building technology and materials)

### 13. CONCLUSION

In this section, the content of the article is summarized

in the form of keywords as shown in the table below so that it is used to carry out further research.

**Table 5: Characteristics and Concepts of Wisdom and Conceptual Architecture**

Traditional Architecture (Wisdom Architecture)						
Context-building; firm and stable	Original with a genealogy of generations; continued developments in architecture and culture	Proportionate to the latest technical local knowledge	Originating from self, self-directed	With sizes and confined to values and ethics	Experience-seeking, mouth to mouth knowledge transfer, place and local directed	Based on collective unconsciousness and intelligence
Conceptuality Architecture						
Isolated from the context and seeking to redefine the link with the unstable or temporary context	Authentic; identity-seeker	Artificial and technology-driven	Employer-driven and customized, taste-based	Indefinite, ethical and value-based	Criterion-driven ecological Scientific Space-driven	Self-conscious Process-oriented Research-oriented

#### 13.1. Concluding Remarks

The following is a summary of the content of the article:

- Wisdom-based architecture and conceptuality architecture complement each other and are of the same material with two different structures.
- The purgatory conceptuality is for punishment (self-awareness) and transitional conceptuality for recreating new wisdom and more comprehensive and consistent stability in the field.
- Wisdom is unconscious and empirical, while conceptuality means self-consciousness and scientific.

- The scientific process creates space and involves design research being the product architecture conceptuality.

- Wisdom is holistic while conceptuality is minor. In other words, conceptuality is equivalent to pluralism as inherent in philosophies of traditional architecture.

- Conceptuality architecture refers to "architecture of eclectic wisdom" characterized by the visual and originality of the image.

- Conceptuality is a tool to exercise the lost wisdom in architecture, or other words, it is formative or nominal wisdom in modern and contemporary Iranian architecture.

- "New Conceptuality" or "intellectual Neo-Conceptuality" go beyond visual literacy and image originality, being among the important achievements of this article for future research, and modeling Iranian architecture.

- Here, one would refer to the research-based design approach, i.e., "neo-conceptuality", by using paramodels and parametric design methods which, in the critique neo-conceptuality, it replaces "image" in

"conceptualism" with intrinsic "features" and "theme-context" of the underlying context in the para-models; thus, founding a more inclusive approach for defining structures<sup>7</sup>.

This research sought to create a deductive and analytical structure between the traditional and modern nature of architecture to explain the extent to which the concepts constitute an architectural work from the perspective of wisdom and conceptuality.

## END NOTE

1. Mathematical parametric models in statistics are for expressing and presenting mathematical and computer models of objects. In statistics, "Parameter Model" or "parametric set" or "finite dimensional model" (defined) is a set of "generalized functions" that can be explained using a limited number of parameters. Parametric models are compared with semi-parametric, semi-nonparametric, and nonparametric models, which all consist of an infinite set of "parameters". (See the author's doctoral dissertation on architecture).
2. The nature of the book "Tradition and Heresy in Architectural Education" is an excerpt from the opinions of experts about tradition and heresy or Modernity with an architectural approach, so it suffices to describe "tradition and modernity".
3. The word "determination" in this article, has meant size and value characterizing the basic features of the Tradition System.
4. Archetypal Architecture. (Golabchi & Zeinali, 2014)..
5. "The year 160s coincided with the changes in the educational system of the Faculty - Faculty of Fine Arts of Tehran - Houshang Seyhoun, as a graduate of the National School Supérieure Des Beaux-Arts in Paris, was at the front line of of these reforms." "One of his most important and first steps was to align the ancient training of all the basics of classical architecture with the routines of the National School Supérieure Des Beaux-Arts programs." (Bani-Masoud, 2012, p. 286).
6. See selected projects from architecture students of the 60s to 80s, published in the Journal of Fine Arts.
7. First and Second paradigm. (Gholipour, 2019).

## REFERENCES

- Aryanpour, K.M. (2003). Aryanpur Progressive English-Persian Dictionary. *Jahan Rayaneh*, Tehran.
- Akrami, G.R. (2004). Defining Architecture as the First Step towards Studing about Architectural Education. *Journal of Fine Art, University of Tehran. Honar-Ha- Ye- Ziba*, (16), 33-48.
- Bani-Masoud, A. (2012). Iranian Contemporary Architecture. *Honar-e-Memari Publication*, Tehran.
- Bozorgmehri, Z. (2006). Geometry in Architecture. *Sobhan Noor, National Heritage Organization*, Tehran
- Copleston, F. (1983). A History of Philosophy. (S.J. Mojtabavi, Trans.). *Elmi va Farhangi Press*, Tehran.
- Dehkhoda, A.A. (1931). Dehkhoda Dictionary (Persin). <https://icps.ut.ac.ir/fa/dictionary>
- Foroughi, M.A. (2002). The Course of Wisdom in Europe. *Zovvar Press*, Tehran.
- Ghehi, H.B. (2009). Mystical Foundations of Islamic Art and Architecture. *Soore Mehr Publication*, Tehran.
- Ghobadian, V. (2014). "Memari dar Darolkhelafeh Naseri": Tradition and Modernism in Contemporary Architecture of Tehran. *Pashootan Press*, Tehran.
- Gholipour, A.R. (2019). Modeling the Process of Upgrading Context-Made Structures With Architectural Design-Research Method Based on Parametric Concepts. *Graduate studies Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran*, and Tehran.
- Golabchi, M., & Zeinali, A. (2014). Archetypal Architecture (Fundamental Sustainable Patterns). *Tehran University Press*, Tehran.
- Hillenbrand, R. (1998). Islamic Architecture: Form, Function, and Meaning. (I. Etasam, Trans.). *Urban Planning and Processing Company Press*, Tehran.
- Hojjat, E. (2014). Tradition and Modernity in Architectural Education. *Tehran University Press*, Tehran.
- Memarian, G.H. (1987). Sazehaie Taghi dar Memari Eslami Iran (Vault Structures in the Islamic Architecture of Iran). *Gihad Danesgahi of the University of Science and Technology*, Tehran.
- Naqsh Consulting E. (2008). A Critique of contemporary Iranian Architecture. *Center for Architectural & Urban Studies and Research, Ministry of Housing and Urban Development*, Tehran.
- Nasr, S.H. (2002). Knowledg and the Sacred. (F.H. Mirzaei, Trans.). *Farzan Rooz Publication*, Tehran.
- Nozari, H.A. (2000). Postmodernity and Postmodernism: Definitions, Theories, and Application. *Naqsh e Jahan Publication*, Tehran.
- Pirnia, M.K. (2004). The Styles of Persian Architecture. Gholam Hossein Memarian. *Memar Press*, Tehran.
- Pope, A.U. (2008). Introducing Persian Architecture. (Z. Qasemali, Trans.). *Samira Publication*, Tehran.
- Rahnavard, Z. (1999). The Wisdom of Islamic Art. *Samt Organization Publication*, Tehran.
- Sajjadi, J. (1996). Culture of Philosophical and Theological Sciences. *Amirkabir Publications*, Tehran.
- Tabatabai, S.M.H. (1997). Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, (2). *Daftar IntisharatIslami Jame'eh Modarresin*, Qum.

### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Golabchi, M., & Gholipour, A.R. (2021). The Relationship between "Wisdom" and "Conceptuality" and its Effect on the Formation of Contemporary Architecture of Iran. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal*. 14(34), 145-155.

DOI: 10.22034/AAUD.2021.160978.1754

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_131919.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_131919.html)



### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



